

## بررسی نقش فرزندان و یاران امام موسی کاظم (علیه السلام) در گسترش تشیع امامیه

ساجد حسین<sup>۱</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر درباره بررسی نقش امام موسی کاظم (ع) در تبیین مبانی علوم واقعی اسلام می باشد؛ این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی با روش گردآوری مطالب به صورت مطالعات کتابخانه‌ای، در زمینه گسترش علوم و حرکت های اجتماعی و تبلیغی شیعه امامیه استوار است. در این پژوهش علاوه بر فعالیت های علمی امام کاظم(ع)، نقش و فعالیت های شاگردان و اصحاب امام موسی کاظم(ع) نیز مورد بیان قرار گرفته است زیرا آنان در سایه تعلیمات و هدایت آن امام(ع) در زمینه گسترش علوم اسلامی خدمات گوناگونی انجام دادند که مهم ترین آن نقل و نشر احادیث امامان معصوم علیهم السلام بوده است. نتیجه این پژوهش این است که امام کاظم(ع) برای تبیین منابع و مبانی علوم واقعی اسلام تلاش گسترده‌ی انجام داده بودند و امور گوناگون در این راه از جمله تربیت شاگردان و نیروی کارآمد، یاددهی نحوه استناد و استخراج علوم واقعی اسلام، استناد و استشهاد به قرآن، استناد و استشهاد به احادیث پیامبر(ص)، پرهیز و دوری از رأی شخصی و قیاس و استحسان، شناخت و دنبال نمودن علوم واقعی مورد توجه امام کاظم(ع) بوده اند و نیز مراجعات گسترده علمی توسط شاگردان و اصحاب زیادی امام موسی کاظم(ع) در زمینه های گوناگون معارف قرآنی، تفسیر، اعتقادات، فقه، اصول، علوم تربیتی و غیره نیز نقش هدایت و رهبری مردم به سوی منابع و مبانی علوم واقعی اسلام و مباحث و معارف قرآنی و تفسیر آیات گوناگون را نیز روشن تر می کند زیرا اصحاب امام کاظم(ع) احادیث و فرمایشات زیادی را روایت و برای آئندگان ثبت و نشر نمودند که امروز دهها روایت در این زمینه در منابع اولیه کتب شیعه وجود دارد و صدها کتب درباره احادیث و مرویات امام کاظم(ع) در جامعه علمی شیعی نوشته شده اند.

**کلید واژه ها:** منابع، مبانی، احادیث، علوم اسلامی، اصحاب، امام کاظم(ع)

بررسی نقش فرزندان و یاران امام موسی کاظم (علیه السلام) در گسترش تشیع امامیه

<sup>۱</sup> دانش پژوه مقطع کارشناسی ارشد رشته ی تاریخ اهل بیت مجتمع آموزش عالی اصفهان

## موضوع و بیان مسئله

اولین و اساسی ترین بحث در گسترش علوم اسلامی ضرورت تبیین مبانی علوم واقعی اسلام می باشد زیرا برای ایجاد حرکت های علمی و اجتماعی و فرهنگی ابزاری مناسب مانند علوم لازم است، به همین سبب در زندگانی حضرت امام موسی کاظم (ع) می بینیم که ایشان نیز مثل پدران خود برای تربیت شاگردان و توسعه علوم اسلامی بسیار تلاش داشتند و از بدعت ها و انحرافات مبارزه نمودند و نیز فرزندان و یاران امام کاظم(ع)، در این سهم بسزایی داشتند، وقتی امام موسی کاظم(ع) در میان آنها به صورت حضوری موجود بودند و وقتی که امام در زندان زندگی می کردند، فرزندان و یاران امام با روایت نمودن از ایشان، سوال و جواب، طرح مسئله، از طریق نامه ها مبانی عقیدتی و باورهای دینی شیعه امامیه را یاد می گرفتند و نیز به دیگران یاد می دادند و همچنین با حفظ و کتابت و گفتگو و مباحثه و مذاکره کار توسعه علوم اسلامی واقعی را انجام می دادند؛ زیرا می دانستند که فضای و حالات آن عصر آکنده از انحرافات و بدعت ها و افکار باطله می باشد و هر روزه فکر و عقیده جدید در لباس مذهب و فرهنگ وارد جامعه می شود.

ولی در اینجا اساسی ترین و بنیادی ترین کاری که توسط امام موسی کاظم(ع) و فرزندان و یاران ایشان برای توسعه علوم واقعی اسلام و عقاید حقه و گسترش میراث علمی و فرهنگی شیعه امامیه انجام شد، تبیین مبانی علوم واقعی اسلام بوده است و آن ضرورت رجوع و استنادات به قرآن و احادیث قطعی پیامبر اکرم(ص) و معصومین(ع) بوده است یعنی برای این امر بسیار اهتمام شده است که علوم اسلامی باید فقط به استناد از قرآن و احادیث قطعی معصومین سابق باشد و برای حفظ این میراث اهتمام خاصی انجام شود. به همین سبب می بینیم که شیعیان امامیه به خاطر هدایت و مدیریت امام موسی کاظم(ع) بسیار تلاش نمودند و بعد از تربیت نیرو و عناصر کارآمد و افراد مؤمن و معتقد به امامت حقه، در نقاط مختلف جهان فرستاده می شدند یا مهاجرت نمودند و از طریق نامه ها و خطوط و سفیران و نمایندگان با امام معصوم در ارتباط بودند و سوالات و مسائل مردم را مطرح و پاسخ می گرفتند و نیز برای یادگیری علوم آل محمد(ص) تشویق یکدیگران را تشویق می کردند.

پس سوال اصلی پژوهش حاضر این است که:

نقش امام کاظم(ع) در تبیین مبانی علوم واقعی اسلام چیست؟

برای جواب مسئله فوق تصویر اجمالی درباره فعالیت های دوطرفه امام کاظم(ع) و شاگردان ایشان مربوط به تبیین مبانی علوم واقعی اسلام و تفسیر و معارف قرآن کریم ارائه می گردد.



## ۱- تلاش امام کاظم(ع) برای تبیین منابع و مبانی علوم واقعی اسلام

در اینجا چندین مطالب در این باره ذکر می‌گردد:

### ۱-۱. تربیت شاگردان و نیروی های کارآمد شیعی

مهم ترین کاری که در این بخش انجام شده است، تربیت شاگردان مهم توسط امام کاظم(ع) بوده است، این مطلب در مباحث متعددی بیان شده است و نیز در آینده ذکر خواهد شد، ولی به تناسب لازم بذکر است که امام موسی کاظم(ع) با اینکه عمر زیادی در زندان بودند، ولی با فرصت های که در مواقع گوناگون انجام شده بود، برای تربیت شاگردان وقت کافی گذاشتند چنانکه بیان شده است که:

«پاران و نزدیکان امام کاظم(ع) در مجلس درس آن بزرگوار حاضر می‌شدند و لوحه‌های آبنوس در آستین‌ها داشتند؛ هرگاه ایشان سخنی می‌فرمود یا در موردی نظری ارائه می‌داد، به ضبط آن مبادرت می‌ورزیدند»<sup>۱</sup>.

همچنین آمده است که:

«جایگاه علمی امام کاظم(ع) که بارها پدر بزرگوارشان توسط آن را تأیید کرده بودند، سیل مشتاقان به علوم اهل بیت (علیهم السلام) را به سوی ایشان روانه می‌ساخت. هر چند این چشمه جوشان اندیشه با وجود جو اختناق حاکمان عباسی، زیر فشارها، محدودیت‌ها و محرومیت‌های زیادی قرار داشتند، هیچ‌گاه تشنگان فرهنگ دینی اهل بیت (علیهم السلام) را از رسیدن به این مهم ناامید نساختند. بزرگان علمی و فرهنگی عصر امام کاظم(ع) را که همواره از خزانه علوم وحیانی ایشان سیراب می‌شدند افرادی چون: یونس بن عبدالرحمان، صفوان بن یحیی، محمد بن ابی عمیر، عبدالله بن مغیره، حسن بن محبوب السراد و احمد بن ابی نصر بزندی بودند که از اصحاب اجماع و از خواص اصحاب امام (ع) به شمار می‌آمدند»<sup>۲</sup>.

علاوه از این افراد دیگر نیز تربیت یافته مکتب علمی امام موسی کاظم(ع) بودند که نقش مهمی در توسعه و گسترش علوم اسلامی از طریق نوشتن میراث حدیثی امام(ع)، تألیف کتب و تربیت فرهنگی جامعه و غیره انجام می‌دادند و اسامی برخی از آنان در عنوان قبلی ذکر شده است و در آینده نیز به تناسب ذکر آنها خواهد آمد، به طور کلی بیش از ۳۰۰ نفر از راویان امام کاظم(ع) در منابع ذکر شده است.

بررسی نقش فرزندان و پاران امام موسی کاظم (علیه السلام) در گسترش تشیع امامیه

<sup>۱</sup> قمی، شیخ عباس، الانوار البهیة، ص ۹۵.

<sup>۲</sup> ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۳۵۰.

## ۱-۲. یاددهی نحوه استناد و استخراج علوم واقعی اسلام توسط امام کاظم(ع)

حضرت امام موسی کاظم(ع) مثل امامان سابق مطالب مهمی درباره علوم اسلامی بیان نمودند؛ اصول و قواعد و لطائف و معارف گوناگونی علوم قرآن و حدیث و کلام و فقه و اصول و کلام و تاریخ و غیره را بیان فرمودند و آنها در صورت احادیث و روایات و مناظرات ایشان توسط فرزندان و یاران ایشان برای نسل های آیندگان نقل و نشر شدند. ولی مهم ترین نکته ی که حائز اهمیت می باشد؛ این است که امام کاظم(ع) تاکید زیادی بر منابع صحیح و حقیقی علوم اسلامی داشتند و منابع غیر صحیح و باطل برای کسب و استخراج علوم اسلامی مانند قیاس و رجوع به غیر اهل بیت اطهار(ع) و غیره را بیان نمودند؛ اینجا برخی از مطالبی که در این زمینه از ایشان نقل و روایت شده اند، ذکر می گردد:

### ۱-۲-۱. استناد و استشهاد به قرآن

یکی از مهم ترین روش علمی امامان معصوم(ع) استناد و استشهاد به قرآنی بوده است، به همین سبب امام موسی کاظم(ع) نیز در موارد زیادی مسائل دینی و معارف و علوم اسلامی را به استناد و استشهاد به قرآن بیان می فرمودند، شواهد گوناگونی در همین پایان نامه در فصل سابق مورد بیان قرار گرفته و نیز در آینده بیان خواهد شد، اینجا فقط برخی از نمونه ها درباره این روش ذکر می گردد:

از امام موسی کاظم(ع) در مورد فردی که نذر کرده: «به خدا اموال کثیری را تصدق خواهم نمود» چه مقداری صدقه دهد؟ پرسیده شد. امام(ع) در پاسخ فرمودند: «اگر فردی که سوگند یاد کرده است صاحب گوسفند باشد، پس می بایست ۸۴ رأس گوسفند. و اگر دارای شتر است ۸۴ نفر شتر و اگر صاحب دراهم و پول است پس ۸۴ درهم بپردازد. چون خداوند متعال فرموده است: «لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ»<sup>۱</sup> «پس موطن مورد تأیید رسول خدا(ص) که پیش از نزول این آیه شمرده اند پس ۸۴ موطن و مورد بوده است».<sup>۲</sup>

همچنین علی بن یقطين گوید:

مهدی خلیفه عباسی از امام موسی بن جعفر(ع) در مورد «خمیر» پرسیدند: «آیا در کتاب خدا حرام شده است؟ در صورتی که مردم نهی از خمر را می شناسند ولی تحریم آن را نمی شناسند؟» امام(ع) فرمودند:

<sup>۱</sup> توبه آیه ۲.

<sup>۲</sup> مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۳۵۳.

«بلی خمر در کتاب خدا هم تحریم شده است».

مهدی پرسید:

«در کدام آیه از آیات الهی ای ابوالحسن؟»

امام (ع) فرمودند

«در آیه شریفه «انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و الأثم و البغی به غیر الحق»<sup>۱</sup>

مقصود از «ما ظهر منها» آن زناى آشکار است که زناکاران عهد جاهلیت بر سر دربهها پرچم می افراشتند. و مقصود از «ما بطن» ازدواج با همسران پدران می باشد که در جاهلیت پس از مرگ پدر، پسران با آنان ازدواج می کردند و مقصود از «إثم» خود خمر و شراب می باشد جائی که خداوند متعال در جایگاه دیگری از قرآن می فرماید: «یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما إثم کبیر»<sup>۲</sup> إثم در کتاب خدا خمر و میسر می باشد و اثم آنها بیشتر از نفع آنها است.

مهدی به علی بن یقظین گفت:

«این یک فتوای هاشمی است».

علی بن یقظین گفت:

«آری راست می گویی و شکر خدا را که این علم و دانش را از شما اهل بیت بیرون نبرده است».

مهدی گفت:

«راست گفתי ای رافضی!»<sup>۳</sup>.

همچنین آمده که شخصی از امام (ع) پرسید:

«روزه در ماه چگونه است؟ فرمود: سه روز در ماه، در هر ده روز یک روزه بگیرد. به درستی که خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا»<sup>۴</sup> سه روز در ماه روزه دهر (معادل روزه تمام عمر) است.<sup>۵</sup> این آیه طبق روایتی یکی از نعمت های خدا بر بندگان را بیان می کند که خداوند عمل نیک را ده

<sup>۱</sup> اعراف آیه ۳۳.

<sup>۲</sup> بقره آیه ۲۱۹.

<sup>۳</sup> مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۴۹؛ طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۲، ص ۲۰۷.

<sup>۴</sup> انعام، ۱۶۰.

<sup>۵</sup> کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۹۳.



برابر پاداش می دهد.<sup>۱</sup> امام(ع) با استناد به آیه مذکور، ثواب روزه یک روز را برابر ده روز و روزه سه روز را برابر روزه یک ماه دانسته اند.»

همچنین از امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) از (فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ)<sup>۲</sup> سؤال شد که این سه روز چه روزهایی است؟ فرمودند:

«قَبْلَ التَّرْوِيهِ يَصُومُ وَ يَوْمَ التَّرْوِيهِ وَ يَوْمَ عَرَفَةَ»؛ روز هفتم، هشتم و نهم ذی الحجه. در ادامه فرمودند: «فَمَنْ فَاتَهُ ذَلِكَ فَلْيَقْضِ ذَلِكَ فِي بَقِيَّةِ ذِي الْحِجَّةِ»؛ اگر این سه روز از کسی فوت شد در مابقی ذی الحجه به جا آورد و روزه بگیرد ایشان به آیه (الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ) استناد کردند که ماه‌های حج مشخص است.<sup>۳</sup> البته با توجه به جمع بودن واژه «اشهر»، زمان مطرح شده در آیه (الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ)،<sup>۴</sup> ناظر به حج و عمره با هم است و عمره تمتع در طول سه ماه شوال، ذی القعدة و ذی الحجه انجام می‌شود، ولی زمان حج ماه ذی الحجه است.

علی بن جعفر از برادرش موسی(ع) گوید:

«از ایشان درباره اهل مکه پرسیدم که آیا برای آن‌ها شایسته است که از عمره تمتع به حج باز آیند. فرمود: متعه برای اهل مکه صلاح نیست و آن سخن خداوند است: «ذَلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ»<sup>۵</sup> این عمل بر آن کس است که اهل مکه نباشد.»<sup>۶</sup>

خلاصه اینکه امام به سؤالات و مسائل شاگردان و یاران خود، با استناد و استشهاد به آیات قرآنی پاسخ دادند و این یکی از مهم‌ترین روش برای استخراج و استناد علوم اسلامی اعم از فقهی و کلامی و معارفی می باشد، اینجا فقط برخی از نمونه‌ها مورد بیان قرار گرفته‌اند و مثال‌های متعددی مباحث قرآنی در عنوان اول این فصل نیز بیان شده‌اند.

<sup>۱</sup> طباطبایی، المیزان، ج ۷، ص ۵۳۸.

<sup>۲</sup> بقره، آیه ۱۹۶.

<sup>۳</sup> بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۲۴؛ عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۹۲.

<sup>۴</sup> بقره، آیه ۱۹۷.

<sup>۵</sup> بقره: ۱۹۶.

<sup>۶</sup> عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۹۴.



## ۱-۲-۲. استناد و استشهاد به سنت پیامبر(ص)

امام موسی کاظم(ع) مثل امامان سابق، برای بیان مسائل و معارف و علوم دینی از سنت پیامبر(ص) یعنی گفتار و رفتار و کردار پیامبر اکرم(ص) که بعد از قرآن دومین منبع اصلی اسلام است، استناد و استشهاد می کردند؛ در این باره نیز شواهد زیادی وجود دارد، بلکه این اصل مشترک میان امامان معصوم است که همه سخنان آنان از قرآن و پیامبر اکرم(ص) نشأت گرفته است، آنان محافظ و تشریح و توضیح کنندگان آن دو بودند؛ اینجا برخی از نمونه ها ذکر می گردد:

گاهی امامان به دلیل اینکه مخاطب، جایگاه آنان را نمی شناخت یا برای احترام به دیگر معصومان و یا به دلایل مختلف دیگر، به کلام رسول خدا(ص) و دیگر ائمه(ع) استناد می کردند و خود مستقیماً حکم موضوع یا تفسیر آیه را ذکر نمی نمودند. امام کاظم(ع) نیز در موقعیتی قرار داشتند که گاهی اوقات لازم می شد از این شیوه استفاده نمایند. چنانکه عبدالرحمن بن حجاج می گوید:

«كُنْتُ قَائِمًا أَصَلِي وَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَاعِدًا قَدَامِي وَ أَنَا لَا أَعْلَمُ، قَالَ: فَجَاءَهُ عَبَادُ الْبَصْرِيُّ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَ جَلَسَ وَ قَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ تَمَتَّحَ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ هَدْيٌ قَالَ: يَصُومُ الْأَيَّامَ الَّتِي قَالَ اللَّهُ، قَالَ: فَجَعَلْتُ سَمْعِي إِلَيْهِمَا قَالَ عَبَادُ: وَ أَيُّ أَيَّامٍ هِيَ قَالَ قَبْلَ التَّرْوِيَةِ وَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ وَ يَوْمَ عَرَفَةَ قَالَ: فَإِنْ فَاتَهُ قَالَ: يَصُومُ صَبِيحَةَ الْحَصْبَةِ وَ يَوْمِينَ بَعْدَهُ قَالَ: أَمْ فَلَا تَقُولُ كَمَا قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ قَالَ: وَ أَيُّ شَيْءٍ قَالَ قَالَ: يَصُومُ أَيَّامَ التَّشْرِيقِ قَالَ: إِنَّ جَعْفَرًا (ع) كَانَ يَقُولُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) أَمَرَ بِاللَّيْلِ أَنْ يَبْدَى مِنْ هَذِهِ أَيَّامٍ أَكْلٍ وَ شُرْبٍ وَ لَا يَصُومَنَّ أَحَدٌ، فَقَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ اللَّهَ قَالَ: «فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ» قَالَ: كَانَ جَعْفَرُ (ع) يَقُولُ: وَ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجَّةِ كِلْتَيْنِ أَشْهُرُ الْحَجِّ.»<sup>۱</sup>

فردی به نام عباد بصری از حضرت سؤالاتی کرد و ایشان بعد از بیان جواب و مشاهده سختی پذیرش از ناحیه «عباد»، به کلام رسول خدا(ص) و پدر بزرگوارشان استناد نمودند. عبدالرحمن می گوید که «من در حال نماز بودم و امام کاظم(ع) جلوی من بود و نمی دانستم. در این حال فردی به نام عباد بصری نزد ایشان آمد سلام کرد و در کنار آن بزرگوار نشست و گفت: «نظر شما درباره کسی که حج به جای آورده اما قربانی نکرده چیست؟» حضرت فرمود: «آن ایامی را که خدا فرموده باید روزه بگیرد.»

عبدالرحمان می گوید: در این هنگام با دقت بیش تر به کلام آن ها توجه کردم. عباد دوباره سؤال کرد: «این روزها چه روزهایی هستند؟» امام در پاسخ فرمود: «قَبْلَ التَّرْوِيَةِ وَ يَوْمَ التَّرْوِيَةِ وَ يَوْمَ عَرَفَةَ»؛ قبل از ترویبه (روز

بررسی نقش فرزندان و پاران امام موسی کاظم (علیه السلام) در گسترش تشیع امامیه

<sup>۱</sup> عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۹۱؛ بحرانی، سید هاشم، تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۲۲۴؛ مجلسی، محمد باقر، بحار

هشتم ذی الحجه)، روز ترویبه و روز عرفه. عباد دوباره پرسید: «اگر نتوانست چطور؟» حضرت فرمود: «يَصُومُ صَبِيحَةَ الْخَصْبَةِ وَ يَوْمَيْنِ بَعْدَهُ»؛ در این صورت روز حصبه (رمی جمرات) و دو روز بعد از آن را روزه بگیرد. ظاهراً پذیرش این کلام برای راوی دشوار بود. لذا گفت: عبدالله بن حسن قائل است که در این صورت باید در ایام تشریق (سه روز پس از عید قربان) روزه بگیرد. لذا امام برای قانع کردن مخاطب، به فرمایش پدرشان از رسول خدا(ص) استناد کردند و فرمودند:

«رسول خدا (ص) بلال را امر فرمودند که به مردم بگوید که این ایام، ایام خوردن و آشامیدن است و کسی نباید روزه بگیرد.»

ظاهراً باز راوی قانع نمی‌شود و به کلام خداوند متعال استناد می‌کند: «فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَ سَبْعَةِ إِذَا رَجَعْتُمْ»<sup>۱</sup> باز امام کاظم(ع) از پدرشان حضرت امام صادق(ع) نقل می‌کند که: «ذی القعدة نیز مانند ذی الحجه ماه حج است»<sup>۲</sup>.

### ۱-۲-۳. پرهیز و دوری رأی شخصی و قیاس و استحسان

امام موسی کاظم(ع) برخلاف اهل سنت و مخالفان مکتب امامیه استنادات مسائل و معارف دینی را از هر منبعی جائز نمی‌دانستند به همین سبب روش‌های مانند قیاس، استحسان، آرای شخصی، استنادات خلاف سنت رسول اکرم(ص) را جایز نمی‌دانستند.

این مسئله در مباحث مربوطه در فصل بعدی ذکر خواهد شد، ولی به تناسب اینجا نیز برخی روایات از امام کاظم(ع) ذکر می‌گردد:

موسی بن بکر روایت می‌کند که امام موسی کاظم(ع) فرمودند:

«مَنْ أَفْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ لَعَنَتْهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»<sup>۳</sup>

کسی که بدون علم و دانش برای مردم فتوی دهد، فرشتگان آسمان و زمین او را نفرین می‌کنند.

همچنین عثمان بن عیسی می‌گوید که از امام کاظم(ع) راجع به قیاس پرسیدم، ایشان فرمودند که:

«مَا لَكُمْ وَالْقِيَاسَ إِنَّ اللَّهَ لَا يُسْأَلُ كَيْفَ أَحَلَّ وَ كَيْفَ حَرَّمَ»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> بقره، آیه ۱۹۶.

<sup>۲</sup> عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۹۲؛ بحرانی، سیدهاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۲۴؛ سیدعبد الاعلی موسوی سبزواری، مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۹۴.

<sup>۳</sup> برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ج ۱، ص ۲۰۵.

<sup>۴</sup> برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ج ۱، ص ۲۱۴؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۵۷.





«شما را با قیاس چه کار؟ ما حق نداریم که از خدا سؤال بکنیم که چرا حلال کرد و چرا حرام کرد.

روایات دیگر نیز در ردّ و حرمت قیاس بدین قرار اند:

نیز سماعه می گوید که به امام کاظم (ع) گفتیم:

«قُلْتُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ تَقُولُ بِهِ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّتِهِ أَوْ تَقُولُونَ بِرَأْيِكُمْ قَالَ بَلْ كُلُّ شَيْءٍ نَقُولُهُ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّتِهِ»<sup>۱</sup>

آیا همه چیزهای که شما بیان می کنید در قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) هست یا از رأی خودتان نیز می گویند؟ امام فرمودند: بله ما هر آنچه می گوئیم از کتاب الله و سنت پیامبر (ص) می گوئیم.

همین سماعه می گوید که: از امام کاظم (ع) سوال کردم درباره شخصی که وقتی مطلبی از پدران شما وجود نداشته باشد، آیا می تواند قیاس کند؟ امام فرمود:

«إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ حِينَ قَاسُوا»<sup>۲</sup>

کسانی که قبل از شما آمدند بخاطر قیاس کردن، هلاک شدند.

محمد بن حکیم نقل کرده که امام کاظم (ع) فرمودند:

«إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِالْقِيَاسِ وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَقْبِضْ نَبِيَّهُ حَتَّىٰ أَكْمَلَ لَهُ جَمِيعَ دِينِهِ فِي حَالِهِ وَ حَرَامِهِ فَجَاءَكُمْ بِمَا تَحْتَاوُونَ إِلَيْهِ فِي حَيَاتِهِ وَ تَسْتَعِيثُونَ بِهِ وَ بِأَهْلِ بَيْتِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ وَ إِنَّهَا مَخِيئَةٌ عِنْدَ أَهْلِ بَيْتِهِ حَتَّىٰ إِنَّ فِيهِ لَأَرْشَ الْخَدَشِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ أَبَا حَنِيفَةَ مِمَّنْ يَقُولُ قَالَ عَلِيُّ وَ قُلْتُ أَنَا»<sup>۳</sup>

«همانا پیشینیان نبود شدند بواسطه قیاس. خداوند هیچ پیامبری را از دنیا نبرد مگر اینکه تمام دینش را تکمیل نمود از نظر حلال و حرام پیامبر اکرم آنچه احتیاج داشتید در زمان خود آورد و چنگ میزنید بآنچه آورده و باهل بیتش پس از در گذشت پیامبر آن علم و مطالب در نزد اهل بیت پیامبر پنهان است حتی جریمه یک خدشه سپس فرمود: ابو حنیفه مدعی بود که علی ابن ابی طالب چنین گفته من این طور میگوئیم.»

مسئله ممنوعیت قیاس و استفاده از عقول و آرای شخصی چنان بکثرت بیان شده است که به طور مستقیم حدوداً ۱۵۹ روایات در این زمینه نقل شده است<sup>۱</sup> و طبق تحقیقات دیگران روایات مرتبط با قیاس حدوداً ۵۰۰ مورد است.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۳۰۱؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۷۳.

<sup>۲</sup> برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ج ۱، ص ۲۱۲؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۰۵؛ نوری، حسین بن محمد، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۵۹.

<sup>۳</sup> صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۵۰؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۳۴.



مسئله استفاده قیاس و عقل و رأی شخصی چنان از زمان امام باقر(ع) تا عصر امام کاظم(ع) شدت گرفته بود و خطر بزرگی برای جامعه شیعی نیز شده بود که اگر امامان مکرر نهی شدید نمی کردند، فقهاء و بزرگان شیعه نیز به این آلودگی آغشته می شدند، این مطلب در سوالات مکرر یاران و اصحاب ائمه به خوبی قابل درک است، در عصر امام کاظم(ع) نیز اصحاب بزرگ نیز بسیار از امام سوالات کردند و امام همواره روش قیاس و رأی شخصی را ممانعت فرمودند و به صراحت خطر و آثار قیاس را گوشگزار فرمودند و به صراحت بیان نمودند که منبع اصلی و حقیقی معارف و مسائل اسلام فقط قرآن و روایات و احادیث پیامبر اکرم(ص) و ما امامان معصوم هستیم.

روایاتی نیز وارد شده است که اصحاب و یاران امام در آن با قصد اجازه گرفتن برای قیاس نیز سوالاتی را مطرح نموده بودند، اینجا برخی از نمونه ذکر می گردد:

از سماعه بن مهران نقل شده است که می گوید:

«قُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنَّا نَجْتَمِعُ فَنَتَذَكَّرُ مَا عِنْدَنَا فَلَا يَرِدُ عَلَيْنَا شَيْءٌ إِلَّا وَ عِنْدَنَا فِيهِ شَيْءٌ مُسَطَّرٌ وَ ذَلِكَ مِمَّا أَنْعَمَ اللَّهُ بِهِ عَلَيْنَا بِكُمْ ثُمَّ يَرِدُ عَلَيْنَا الشَّيْءُ الصَّغِيرُ لَيْسَ عِنْدَنَا فِيهِ شَيْءٌ فَيَنْظُرُ بَعْضُنَا إِلَى بَعْضٍ وَ عِنْدَنَا مَا يُشْبِهُهُ فَتَقِيسُ عَلَيَّ أَحْسَنَهُ فَقَالَ وَ مَا لَكُمْ وَ لَلْقِيَّاسِ إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ هَلَكَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِالْقِيَّاسِ ثُمَّ قَالَ إِذَا جَاءَكُمْ مَا تَعْلَمُونَ فَقُولُوا بِهِ وَ إِنْ جَاءَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ فَهِيَ وَ أَهْوَى يَبْدِيهِ إِلَيَّ فِيهِ ثُمَّ قَالَ لَعَنَّ اللَّهَ أَبَا حَنِيْفَةَ كَانَ يَقُولُ قَالَ عَلِيُّ وَ قُلْتُ أَنَا وَ قَالَتِ الصَّحَابَةُ وَ قُلْتُ ثُمَّ قَالَ أ كُنْتَ تَجْلِسُ إِلَيْهِ فَقُلْتُ لَا وَ لَكِنْ هَذَا كَلَامُهُ فَقُلْتُ أَصْلَحَكَ اللَّهُ أَنَّى رَسُولُ اللَّهِ (ص) النَّاسَ بِمَا يَكْتَفُونَ بِهِ فِي عَهْدِهِ قَالَ نَعَمْ وَ مَا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَقُلْتُ فَضَاعَ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ فَقَالَ لَا هُوَ عِنْدَ أَهْلِهِ.»<sup>۱</sup>

«به امام کاظم(ع) گفتیم: اصلحک الله، ما دور هم جمع می شویم و در آنچه از اخبار و احکام مذهبی در دست داریم صحبت می کنیم و هر مسأله ای که پیش آید برایش نوشته ای داریم و این از نعمت وجود شماست که خداوند به ما عطا کرده است و گاهی موضوع کوچکی پیش می آید که ما درباره آن نوشته ای نیست و به یکدیگر نگاه می کنیم ولی نزد ما حکم موضوعی است که شبیه آن است آیا می توانیم حکم آن را به احسن وجهه با آن بسنجیم و قیاس کنیم؟ فرمود: شما را با قیاس چه کار؟ همانا کسانی که پیش از شما بودند و هلاک شدند بخاطر قیاس بود، سپس فرمود: وقتی برای شما مسئله ای پیش آمد که حکم آن را می دانید

<sup>۱</sup> طباطبایی بروجردی، سید حسین، جامع احادیث الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۸-۴۳۸.

<sup>۲</sup> اکبر نژاد، محمدتقی، زوائد اصول فقه، ص ۸۲.

<sup>۳</sup> کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۵۷؛ فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الوافی، ج ۱، ص ۲۵۲.

حکم آنرا بگوئید و اگر مسئله‌ای که حکمش را نمی‌دانید حکمش اینجاست که (با دستش اشاره به دهانش کرد) سپس فرمود: خدا ابوحنیفه را لعنت کند، که می‌گفت: علی(ع) چنین گفته است و من چنین گویم و صحابه چنین گفته‌اند و من چنین گفته‌ام، سپس فرمود: تو با او همنشین شدی؟ گفتیم: نه ولی می‌دانم سخنش این است و گفتیم: «اصلحک الله» آیا رسول خدا(ص) برای مردم دستورات کامل را آورد که در زمان خود به آن اکتفا کنند؟

در این روایت امام کاظم(ع) به صراحت ممنوعیت قیاس و بدبختی بزرگان و امامان اهل سنت را ذکر و نیز بیان نمودند که روش معکوس ابوحنیفه در استنباط احکام موجب گمراهی و هلاکت امت است زیرا او برخلاف امام علی(ع) فتوا می‌داد درحالی‌که امت باید همه احکام و مسائل دینی را از پیامبر(ص) بگیرد زیرا ایشان به طور کامل همه دستورات و مسائل زندگی را بیان نمودند.

همچنین در روایت دیگری از محمد بن حکیم نقل شده است که می‌گوید:

«قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ مُوسَى (ع) جُعِلْتُ فِدَاكَ فَقَهَّنَا فِي الدِّينِ وَ أَعَانَنَا اللَّهُ بِكُمْ عَنِ النَّاسِ حَتَّىٰ إِنَّ الْجَمَاعَةَ مِنَّا لَتَكُونُ فِي الْمَجْلِسِ مَا يَسْأَلُ رَجُلٌ صَاحِبَهُ تَخَضُّرَهُ الْمَسْأَلَةَ وَ يَخْضُرُهُ جَوَابُهَا فِيمَا مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا بِكُمْ فَرُبَّمَا وَرَدَ عَلَيْنَا الشَّيْءُ لَمْ يَأْتِنَا فِيهِ عَنكَ وَ لَا عَنَ آبَائِكَ شَيْءٌ فَنَنْظُرُنَا إِلَىٰ أَحْسَنِ مَا يَخْضُرُنَا وَ أَوْفَقِ الْأَشْيَاءِ لِمَا جَاءَنَا عَنْكُمْ فَتَأْخُذُ بِهِ فَقَالَ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ فِي ذَلِكَ وَ اللَّهُ هَلَكَ مَنْ هَلَكَ يَا ابْنَ حَكِيمٍ قَالَ ثُمَّ قَالَ لَعَنَ اللَّهُ أَبَا حَنِيفَةَ كَانَ يَقُولُ قَالَ عَلِيُّ وَ قُلْتُ.

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ حَكِيمٍ لِهَشَامِ بْنِ الْحَكَمِ وَ اللَّهُ مَا أَرَدْتُ إِلَّا أَنْ يُرَخَّصَ لِي فِي الْقِيَاسِ<sup>۱</sup>

به ابو الحسن موسی(ع) عرض کردم: قربانت گردم، ما در دین بینا شدیم و به برکت شما خدا ما را از مردم بی‌نیاز ساخت و با آنها سروکاری نداریم تا آنجا که جمعی از ما در انجمنی باشیم و کسی از رفیق خود مسئله‌ای نپرسد، چون مسئله و جوابش را در ذهن حاضر دارد بخاطر منتی که خداوند از برکت شما به ما رسیده (کسی از رفیق خود نپرسد جز آنکه حاضر به جواب او باشد) ولی بسا باشد موضوعی برای ما پیش آید که در آن حکمی از شما و پدران شما به ما نرسیده و ما به بهترین و مناسب‌ترین اخبار وارده نظر می‌کنیم و به آنچه که موافق‌ترین راه به شماست عمل می‌کنیم؟

فرمود: بسیار از حقیقت دور است، ای پسر حکیم! هرکس هلاک شده از همین راه هلاک شده. سپس فرمود: خدا لعنت کند ابو حنیفه را که می‌گفت: علی چنین گفته است و من هم چنین می‌گویم.

<sup>۱</sup> برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ج ۱، ص ۲۱۲؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۵۶؛ فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی،

الوافی، ج ۱، ص ۲۵۰؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۰۵.

محمد بن حکیم به هشام بن حکم گفت: به خدا سوگند قصد من این بود که برای قیاس در احکام از شما اجازه بگیرم».

در روایات هرگونه قیاس مطلقاً ممنوع شده است؛ چنانکه در روایتی محمد بن ابی نصر از امام کاظم (ع) یا از امام رضا (ع) نقل نموده که فردی از اصحاب امام می گوید که ما طبق اثری روایی قیاس می کنیم، روایاتی از اهل بیت (ع) را شنیدیم بر همان اساس قیاس می کنیم. در این مقام امام (ع)، از این کار ممانعت کرد و فرمود:

«فَقَدْ رَجَعَ الْأَمْرُ إِذَا إِلَيْهِمْ فَلَيْسَ مَعَهُمْ لِأَحَدٍ أَمْرٌ»؛ پس امر به اهل بیت (ع) رجوع کرده و باید پایه احادیث اهل بیت (ع) قرار بگیرد و با این مطلب دیگر جایز نیست از خودتان قیاس کنید (اجتهاد داشته باشید).<sup>۱</sup>

همچنین یونس بن عبدالرحمن می گوید که از امام موسی کاظم (ع) سوال کردم «بِمَا أُوحِذُ اللَّهُ؟» چگونه و به چه روشی خدا را واحد بدانم یا واحد بپرستم؟ امام (ع) فرمودند:

«يَا يُونُسُ لَا تَكُونَنَّ مُتَّبِعًا مَنْ نَظَرَ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ تَرَكَ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّهِ (ص) ضَلَّ وَ مَنْ تَرَكَ كِتَابَ اللَّهِ وَ قَوْلَ نَبِيِّهِ كَفَرَ».<sup>۲</sup>

«ای یونس بدعت گزار مباش، هرکس به رأی خود توجه کند هلاک شود و هرکس خاندان پیامبرش را ترک گوید گمراه است، و هر کس قرآن و سخنان پیامبرش را ترک کند کافر است».

امام کاظم (ع) در این روایات و فرمایشات خود، به صراحت بیان نمودند که فقط قرآن و سخنان و سنت پیامبر (ص) و به تبع سخنان ائمه معصومین (ع) اصلی ترین و یقینی ترین منبع معارف و علوم دینی، فقه و مسائل کلامی و غیره هستند و برخلاف آن آرای شخصی، قیاس و اقوال غیرمعصومین نه تنها نمی تواند منابع علوم دینی باشد بلکه موجب هلاکت و لعنت و گمراهی مردم می شود.

## ۱-۲-۴. شناخت و دنبال نمودن علوم واقعی

در احادیث و سخنان امام کاظم (ع) این مطلب نیز مورد تاکید قرار گرفته است که هر مطلبی که به عنوان علم مطرح می شود لازم نیست که علم واقعی باشد، علم واقعی فقط همان اموری اند که از طرف خداوند متعال در کتاب آسمانی یا از طریق پیامبران و اولیاء به دست مردم رسیده است؛ اینجا برخی از احادیث در این ضمن بیان می گردد:

<sup>۱</sup> برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ج ۱، ص ۲۱۳.

<sup>۲</sup> کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۵۶؛ فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الوافی، ج ۱، ص ۲۵۰؛ حرعاملی، محمد بن

حسن، وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۴۰.

ابراهیم بن عبدالحمید از امام کاظم(ع) سرگذشتی در زمان پیامبر(ص) را نقل می کند که امام فرمودند: «دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمَسْجِدَ فَإِذَا جَمَاعَةٌ قَدْ أَطَافُوا بِرَجُلٍ فَقَالَ مَا هَذَا فَقِيلَ عَلَامَةٌ فَقَالَ وَ مَا الْعَلَامَةُ فَقَالُوا لَهُ أَعْلَمَ النَّاسِ بِأَنْسَابِ الْعَرَبِ وَ وَقَائِعِهَا وَ أَيَّامِ الْجَاهِلِيَّةِ وَ الْأَشْعَارِ وَ الْعَرَبِيَّةِ قَالَ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَاكَ عِلْمٌ لَا يَضُرُّ مَنْ جَهَلَهُ وَ لَا يَنْفَعُ مَنْ عِلِمَهُ ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثٌ أَيُّهُ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَ مَا خَالَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ»<sup>۱</sup>

رسول خدا(ص) وارد شد، جماعتی را دید که اطراف مردی را گرفته اند، فرمود: این کیست؟ گفتند: علامه است، فرمود: علامه یعنی چه؟ گفتند: داناترین مردم به نسبها، نبردهای عرب و ایام جاهلیت و اشعار عرب است. پیامبر(ص) فرمود: این علمی است که ندانستن آن ضرر و زیانی به شخصش نمی زند و دانستنش سودی را به او نمی رساند. سپس پیامبر(ص) فرمود: همانا علم سه گونه است:

۱- آیات محکم قرآن (که مربوط به اصول عقاید است)

۲- فریضه عادلّه (یعنی علم اخلاق که انسان را می سازد)

۳- سنت پایدار (که اشاره به احکام شریعت و دستورات پیامبر است).

همچنین ابن حمدون در تذکره خود از امام کاظم(ع) نقل نموده که:

«وجدت علم الناس في أربع، أولها أن تعرف ربك، و الثانية أن تعرف ما صنع بك، و الثالثة أن تعرف ما أراد منك، و الرابعة أن تعرف ما يخرجك من دينك، معنى هذه الأربع: الأولى وجوب معرفة الله تعالى التي هي اللطف»<sup>۲</sup>

«علم مردم را در چهار چیز دیدم:

۱ - اینکه خدای خود را بشناسی.

۲ - بفهمی چه نسبت بتو انجام داده.

۳ - بدانی چه از تو خواسته.

۴ - بدانی چه چیز موجب خارج شدن از دین می شود.»

همچنین امام کاظم(ع) در ضمن تقسیم علوم به انحای مختلف، درباره علوم واقعی و علوم لازم می فرمایند:

<sup>۱</sup> کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱ ص ۳۲؛ ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، ج ۴ ص ۷۹؛ شهید ثانی، زین الدین، منیة المرید، ج ۱

ص ۱۱۳؛ فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الوافی، ج ۱ ص ۱۳۳؛ حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة ج ۱۷ ص ۳۲۷

<sup>۲</sup> مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۲۸.



«الْعَالِمُ أَوْلَى الْعِلْمِ بِكَ مَا لَا يَصْلُحُ لَكَ الْعَمَلُ إِلَّا بِهِ - وَ أَوْجِبُ الْعِلْمَ عَلَيْكَ مَا أَنْتَ مَسْئُولٌ عَنِ الْعَمَلِ بِهِ وَ  
الَّذِي أَلْمَمْتُ لَكَ مَا دَلَّكَ عَلَى صَلَاحِ قَلْبِكَ وَ أَظْهَرَ لَكَ فَسَادَهُ وَ أَحْمَدُ الْعِلْمَ عَاقِبَةً مَا زَادَكَ فِي عَمَلِكَ الْعَاجِلِ  
فَلَا تَشْغَلَنَّ بِعِلْمٍ مَا لَا يَضُرُّكَ جَهْلُهُ وَ لَا تَغْفُلَنَّ عَنِ عِلْمٍ مَا يَزِيدُ فِي جَهْلِكَ تَرْكُهُ.»<sup>۱</sup>

«سزاوارترین علمی که باید به دنبالش باشی آن علمی است که بدون آن عملت خراب می‌شود و واجب‌ترین علم آن است که فردای قیامت در مورد عمل بدان از تو سؤال خواهند کرد و لازم‌ترین علم آن است که صلاح و فساد جانت را به تو بنمایاند و پسندیده‌ترین عاقبت و سرانجام را علمی دارد که موجب ازدیاد اعمال نیک دنیای تو شود، پس مبادا وقت و عمر خود را صرف آموختن چیزی کنی که اگر ندانی ضرری به حال تو ندارد و مبادا از علمی که ترکش موجب ازدیاد جهلت می‌گردد غافل بمانی.»  
علاوه از این روایات و احادیث و فرمایشات گوناگونی نیز درباره تبیین علوم واقعی از امام نقل شده اند که اینجا نیاز به ذکر همه آنها نیست.



<sup>۱</sup> حلوانی، حسین بن محمد، نزهة الناظر، ج ۱، ص ۱۲۲؛ ورام، مسعود بن عیسی، مجموعة ورام، ج ۲، ص ۱۵۴؛ ابن فهدحلی، عدة الداعی، ج ۱، ص ۷۷؛ دیلمی، حسن بن محمد، اعلام الدین، ج ۱، ص ۳۰۵؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۳۳.

## ۲- مراجعات گسترده علمی توسط شاگردان و یاران امام کاظم(ع)

فعالیت های که توسط فرزندان و یاران امام موسی کاظم(ع) در زمینه توجه نمودن به مبانی علوم واقعی اسلام انجام شده است، مراجعه و اهتمام آنان به احادیث امام موسی کاظم(ع) بوده است و این احادیث مربوط به مباحث و مسائل گوناگون تفسیری، کلامی، فقهی و اصولی و غیره بوده است. نقش شاگردان و اصحاب امام کاظم(ع) قطعاً مهم بوده است زیرا بیشترین احادیث از امام کاظم(ع) در جواب سوالات و مسئله پرسی، نامه ها و خطوط، پاسخ به شبهات، مراجعات حضوری یا غیرحضوری صادر شده بود و نیز بخشی از آنها در ضمن هدایات و رهنمای های امام درباره راه های انحرافی مانند قیاس و استحسان و تقلید باطل و برای توسعه و حفظ علوم اسلامی بوده است.

اینجا نمی توان تک تک مراجعات شاگردان و اصحاب امام کاظم(ع) را مورد بررسی قرار داد لذا فقط چندین نمونه ها و شواهدی گوناگونی درباره میراث حدیثی نقل شده از امام ذکر می گردد:

درباره احادیث امام کاظم(ع) و مراجعات شاگردان و اصحاب ایشان آمده است که:

«محافظة از عقاید اسلامی مبتنی بر قرآن و سنت و عترت و زدودن شبهات شیعیان و مسلمانان و حتی اهل کتاب با مناظره، اعزام مبلغ و تعیین وکلا، و نگارش میراث حدیثی و مجموعه روایاتی که از آن حضرت در مسند ایشان باقی مانده که شامل ۲۲۹۱ روایت، مناظره، دعا، رساله و غیره است. این حرکت علمی، به یک جنبش و جریان و دیده بان فکری و فرهنگی مستقل و اثرگذار ارتقا یافت. سنخ شناسی آن ها شامل مباحث گوناگون عقاید، اخلاقیات و احکام دین است. مباحثی هم چون عقل و علم، توحید، اخبار انبیا و نبوت، امامت و رهبری و فضایل ائمه (علیهم السلام)، فضایل اصحاب، ایمان و کفر، اخلاق جمعی و ارتباطات، معاد، مواضع، جنازه و احکام آن، ارث، وصیت، دیات، حدود، قضا و شهادت، نذر، صید، آزاد کردن بنده، اطعمه و اشربه، حیوانات، زینت، فرزند، طلاق، ازدواج، جهاد، حج، سفر، اقتصاد، سبک زندگی، زکات، روزه، نماز، طهارت، احتجاجات، دعا و قرآن از ایشان باقی مانده است»<sup>۱</sup>

بدیهی است که این همه احادیث و روایات از امام کاظم(ع) از طریق همان فرزندان و یاران ایشان نقل و نشر شده است لذا نقش آنان در توسعه علوم اسلام واقعی بسیار ستودنی و لائق عظمت است.

روایات و احادیث منقوله از امام کاظم(ع) می توان به کتب مختلف مراجعه کرد که در آنها این روایات گردآوری شده اند. از جمله آنها برخی از کتب و آثار برگرفته از احادیث و روایات امام کاظم(ع) بدین قرار اند:

۱- مسند الإمام الكاظم أبي الحسن موسى بن جعفر(ع) نوشته عزیز الله عطاردی.

<sup>۱</sup> مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام کاظم علیه السلام، ج ۲، ص ۴۹.

- ۲- ششصد و پنجاه و پنج پرسش در محضر امام موسی کاظم (علیه السلام) اثر علیرضا زکی زاده رنانی.
- ۳- صد و ده نکته ناب از سخنان گوهربار امام موسی کاظم(ع)، به کوشش حسین طباطبایی، تهران، قصر کتاب، ۱۳۸۹ش.
- ۴- احادیث صعب امام هفتم (ع) و بررسی و تحقیق و توضیح لازم از آنها، حسن مصطفوی، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵ش.
- ۵- امام کاظم موسی بن جعفر (ع) در یک نگاه همراه با چهل حدیث موسوی، گردآورنده محمدحسین مجاهد، قم، فقه، ۱۳۹۱ش.
- ۶- امام موسی کاظم(ع): برگرفته از کتاب شریف منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، تهران، برهان صادق، ۱۳۹۲ش.
- ۷- باب الحوائج امام موسی کاظم (ع): زندگانی امام کاظم (ع) از ولادت تا شهادت، سیره اخلاقی، محسن ماجراجو، قم، اصباح، ۱۳۹۰، مشهد، دیانت، ۱۳۹۱ش.
- ۸- پرسش‌های مردم و پاسخ‌های امام کاظم(ع)، احمد قاضی زاهدی، ترجمه محمدحسین رحیمیان، قم، روضه العباس(ع)، ۱۳۸۹ش.
- ۹- تعالیم امام هفتم امام موسی کاظم(ع) به زبان دعا و حدیث، حسن کافی، تهران، دفتر نمایندگی سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۲ش.
- ۱۰- إطلاله علی القواعد الفقہیة فی الاحادیث الکاظمیة، محمد الخامنئی، تهران، ۱۳۸۴ش.
- ۱۱- الإمام الکاظم و ذراریة فی التراث الشعری و التاریخی والفقہی، اسماعیل الحاج عبدالرحیم الخفاف، کاظمین، قسم الثقافة و الاعلام فی العتبة الکاظمیة المقدسه، ۱۴۳۱ ق./ ۲۰۱۰ م.
- ۱۲- الإمام موسی بن جعفر (ع) فی بحار الانوار، علی اشرف، قم، مکتبه الحیدریه، ۱۴۲۵ ق.
- ۱۳- الإمام موسی الکاظم (ع) باب الحوائج، سیره، دروس و تحلیل، کامل سلیمان، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۲۱ ق./ ۲۰۰۰ م.





علاوه از این صدها کتب و آثار علمی، به ویژه کتب زیادی برگرفته از سیره و سخنان گهربار امام موسی کاظم(ع) از جمله کتب های به عنوان «چهل حدیث» نوشته شده اند.<sup>۱</sup>



---

<sup>۱</sup> برای تفصیل رجوع شود: مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام کاظم علیه السلام، ج ۲، ص: ۵۶۳-۶۳۵؛ در اینجا حدوداً ۷۲۹ آثار مربوط به امام کاظم(ع) در زبان های مختلف به صورت کتب و تحقیقات و پایان نامه و ترجمه ها ذکر شده اند.

### ۳- ترویج تفسیر و معارف قرآنی امام کاظم(ع)

میان قرآن و اهل بیت علیهم السلام پیوند عمیق و دقیق وجود دارد و این امری است که بارها و بارها در لسان روایات معتبر مورد تأکید قرار گرفته و به عنوان حقیقت مسلم درباره پرداخته شده است و بیانات معصومین علیهم السلام به صورت تفسیر و توضیح قرآن و کلام الله مجید، اظهار مراد و معانی آیات و تعلیم آن به اصحاب و شاگردان خود و اهتمام ویژه نسبت به این امر، این پیوند را واضح تر می کند، این مطلب درباره هر کدام از ائمه معصومین علیهم السلام، در عصر خویش به وضوح دیده می شود، امام موسی کاظم (ع) نیز در برخی بیانات خویش به تفسیر آیات قرآن پرداختند و معانی ظاهر و باطن آیات قرآنی را بیان نمودند؛ البته طبق تعریف تفسیر قرآن «بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدالیل آن»<sup>۱</sup> بیشتر روایات امام کاظم (ع) به عناوین جری و تطبیق و بیان مصداق و ظاهر و باطن و تأویل و توضیح کلمات و استناد مسائل اعتقادی و احکام و معارف می باشد و همه این روایات توسط فرزندان و یاران امام به جامعه شیعی رسیده است و امروزه سهم بسزائی در علوم قرآن و تفسیر دارد. اینجا برخی از احادیث تفسیری مورد بیان قرار می گیرد:

#### ۳-۱. تشویق و ترغیب به تلاوت قرآن

امام موسی کاظم(ع) خودشان به صورت عملی برای تلاوت قرآن، نسبت تلاوت قرآن اهتمام زیادی داشتند و دیگران را تشویق می کردند چنانکه شیخ مفید نقل می کند:

«مردم از امام موسی بن جعفر(ع) فراوان روایت کرده اند؛ او فقیه ترین مردم عصر، و حافظ ترین مردم نسبت به قرآن و زیبا آوازترین مردم نسبت به قرائت قرآن بود او با حزن و اندوه قرآن تلاوت می کرد و شنوندگان آوای قرآن او به گریه می افتادند مردم مدینه او را «زین المتهدجین» می نامیدند.<sup>۲</sup>

همچنین آمده است که امام موسی کاظم(ع) بارها می فرمود:

«درجات و مراتب بهشت بر حسب شمارش آیات قرآنی است گفته می شود قرآن بخوان بالاتر برو پس او قرآن می خواند و بالاتر می رود».<sup>۳</sup>

همچنین امام موسی کاظم(ع) فرمودند:

«من استکفی بآیه من القرآن من المشرق الى المغرب کفی اذا کان یقین»؛ هر که از مشرق تا مغرب، به آیه ای از قرآن کفایت طلبد، برای او کافی است وقتی که درباره آن یقین داشته باشد.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> طباطبائی، محمد حسین، المیزان، ج ۱، ص ۴؛ جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۱۶۸.

<sup>۲</sup> مفید، الارشاد، ص ۲۷۹.

<sup>۳</sup> کلینی، الکافی، باب قرائت قرآن.

<sup>۴</sup> کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۶۲۳.

### ۲-۳. التزام مراجعه به قرآن و سنت

امام کاظم (ع) همواره یاران و شیعیان خود را برای التزام مراجعه به قرآن و سنت حکم می فرمودند، در واقع ایشان قرآن و سنت را برای علوم صحیح اسلامی منبع واقعی نشان دادند؛ در این مورد نیز احادیث متعددی توسط شاگردان و راویان امام نقل شده است که برخی از آنها ذکر می گردد:

در ذیل آیه ۸۹ سوره نحل این آمده که سماعه یکی از یاران امام موسی کاظم (ع) از ایشان سؤال می کند: قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَكُلُّ شَيْءٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ (ص) أَوْ تَقُولُونَ فِيهِ؟ فَقَالَ: بَلْ كُلُّ شَيْءٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ (ص).<sup>۱</sup>

«آیا همه چیز در کتاب خدا و سنت پیغمبرش موجود است یا شما این مطالب (و عجائب) را از (علم) خودتان می گوئید؟» فرمود: «همه چیز در کتاب خدا و سنت پیغمبرش (ص) می باشد».

امام در اینجا متذکر به اصل اساسی در علوم اسلامی می شوند که باید علم حقیقی اسلام با مراجعه به قرآن و سنت اخذ شود و نیز منکر نقش خودشان نیز نمی شوند زیرا آنها هر چه بیان می نمایند از همان کتاب الهی و علوم پیامبر (ص) است که به صورت میراث و الهام الهی به آنها می رسد و در واقع حافظان و وارثان کتاب و سنت پیامبر (ص) هستند پس باید در این موارد به آنها مراجعه کرد.

همچنین در اول کتاب کافی از امام هفتم روایت شده که فرمودند:

مَنْ أَخَذَ دِينَهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ (ص) زَالَتْ الْجِبَالُ قَبْلَ أَنْ يَزُولَ وَ مَنْ أَخَذَ دِينَهُ مِنْ أَفْوَاهِ الرِّجَالِ رَدَّتْهُ الرِّجَالُ؛<sup>۲</sup> هر کس دین خود را از قرآن و دستور پیامبر بگیرد از کوه استوارتر باشد و متزلزل نشود و هر کس دین خود را از دهان مردم بگیرد، همان مردم او را از دین برگردانند».

### ۳-۳. تفسیر و توضیح آیات و کلمات قرآنی

یکی از مهم ترین نقش گسترش علوم اسلامی در سایه قرآن، تفسیر و توضیح آیات قرآنی می باشد که فرزندان و اصحاب امام موسی کاظم (ع) در این زمینه نقش مهمی ایفا کردند زیرا آنان روایات زیادی از امام نقل کردند که در قالب تفسیر و توضیح آیات و کلمات قرآنی، پاسخ به سوالات، استنادات گوناگون معارف دینی و غیره می باشد.

لازم بذکر است که در پژوهش و تألیفات گوناگونی روایات تفسیری امام کاظم (ع) مورد بررسی قرار گرفته است از جمله مهم ترین اثر در این زمینه کتاب مسند امام موسی کاظم (ع) از عزیز الله عطاردی و کتاب بلاغة الامام موسی کاظم (ع) تألیف ابوجعفر کلبی است و در این کتابها حدودا ۲۷۵ روایات قرآنی از امام کاظم (ع) گردآوری شده است ولی این کتاب های فاقد بررسی نقش فرزندان و یاران امام در ترویج این روایات می باشد لذا در این پژوهش با توجه نقش فرزندان و راویان و شاگردان امام کاظم (ع)، این معارف

<sup>۱</sup> فیض کاشانی، الوافی، ج ۱، ص ۲۷۳.

<sup>۲</sup> فیض کاشانی، الوافی، ج ۱ ص ۲۴۲.

قرآنی و تفسیری مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد زیرا هدف اصلی پژوهش همین بررسی نقش آنان در گسترش علوم اسلامی باشد.

اینجا برخی از روایات تفسیری و توضیحی امام موسی کاظم (ع) درباره قرآن ذکر می‌گردد که از طریق فرزندان و یاران ایشان (ع) نقل شده است.

### ۳-۴. آیات قرآنی در بیانات اوصاف خرمندان

یکی از مهم ترین روایتی که از امام موسی بن جعفر (ع) که از طریق هشام بن حکم بغدادی از متکلمان برجسته و از اصحاب سر امام (ع) بوده نقل شده است که به عنوان اوصاف خرمندان و جاهلان یا اوصاف عقل و جهل در کتابهای مهم حدیثی ما از جمله آنها این روایات در کتاب العقل و الجهل اصول کافی جلد یک، کتاب العقل و الجهل بحارالانوار جلد یک، و نیز در تحف العقول<sup>۱</sup> آمده است.

امام کاظم (ع) در این حدیث حدوداً ۲۰ آیات از قرآن کریم را تلاوت و تفسیر فرمودند و مهم ترین موضوعات آنها عبارتند از: آیات بشارت، آیات معرفت، آیات اشتیاق به جهان آخرت، آیات بیم و انداز، آیات عقل و علم، آیات مذمت جهل و بی‌خردی، آیات مدح و ذم افکار و اعمال مردم، آیات خردمندی و حکمت و غیره می‌باشد. برخی از این آیات در ادامه و به تناسب ذکر خواهد شد.

### ۳-۵. استناد و استشهاد به آیات قرآنی

روایات متعددی از طریق شاگردان امام موسی کاظم (ع) درباره استناد نمودن امام از آیات قرآنی در پاسخگویی به جواب سوالات آمده است، برخی از آنها اینجا ذکر می‌شود:

و عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ (ع) إِنَّ عِنْدَنَا قَوْمًا لَهُمْ مَحَبَّةٌ وَ لَيْسَتْ لَهُمْ تِلْكَ الْعَزِيمَةُ يَقُولُونَ بِهَذَا الْقَوْلِ فَقَالَ لَيْسَ أَوْلِيكَ مِمَّنْ عَاتَبَ اللَّهُ إِنَّمَا قَالَ اللَّهُ «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ»<sup>۲</sup>.

حسن بن جهم از حضرت امام کاظم (ع) نقل کرده، می‌گوید گفتم: در شیعه کسانی هستند که دوستدار امامند ولی مصمم نیستند (که تا سرحد جان دفاع کنند) ولی به همین مقدار، از دوستی با امام دم می‌زنند فرمود: خدا نسبت به آنها خرده‌گیری و سرزنش ندارد، خدا می‌فرماید: «ای صاحبان بصیرت و آگاهی عبرت بگیرید» (سوره حشر/آیه ۲). (و بدیهی است که اینها مردمی آگاه نیستند).

همچنین از طریق محمد بن منصور نقل شده که می‌گوید: من از امام کاظم (ع)، در باره این آیه پرسیدم: «.. إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ»<sup>۳</sup> امام فرمودند: به راستی، قرآن ظاهر و باطن دارد، همه آنچه را

<sup>۱</sup> حرآنی، ابن شعبه، تحف العقول، ص ۳۸۳.

<sup>۲</sup> کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۱.

<sup>۳</sup> اعراف، آیه ۳۳؛ بگو: «خداوند، تنها اعمال زشت را، چه آشکار باشد چه پنهان، حرام کرده است...»

قرآن حرام کرده ظاهرش مقصود است و باطن آن همان ائمه و پیشوایان جور و ستم هستند و هر چه را خدا در قرآن حلال شمرده ظاهرش مقصود است و منظور از باطن آن امامان و پیشوایان بر حَقْد.<sup>۱</sup>

قرآن مجید درباره کعبه و سرزمین مبارک مکه می فرماید:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»<sup>۲</sup>

ذیل این آیه در روایتی از امام کاظم (ع) آمده است که فرمودند: «در ۲۵ ذی القعدة خانه کعبه بنا نهاده شد، و آن اولین رحمت خداست که در روی زمین قرار داده شد، و خداوند آن را پناهگاه و محل امنی برای مردم قرار داد، پس هرکس این روز را روزه بدارد، خداوند روزه شصت ماه را برای او می نویسد.»<sup>۳</sup> این حدیث به عنوان بیان تفسیری آیه آمده است، درحالی که در روایت، به صراحت آیه فوق ذکر نشده است.

### ۳-۶. بیان معانی برخی از الفاظ آیات

حسین بن بشار از امام (ع) درباره آیه «وَأَنْتَ الْوَالِدُ الْحَرَامُ وَالْحَرَامُ الْوَالِدُ» (بقره: ۲۰۵) پرسید. ایشان فرمود: «النَّسْلُ الذَّرِيَّةُ وَ الْحَرَامُ الْزَّرْعُ»<sup>۴</sup>

از امام کاظم (ع) درباره آیه «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ» سؤال شد که آن ها چه کسانی هستند و معنی إحصانن چیست؟ امام (ع) فرمود: آنان پاک دامنان از زنانشان هستند. در روایت، امام (ع) إحصانن را به «العفاف» تفسیر کرده اند.<sup>۵</sup>

از امام (ع) درباره آیه «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۳) سؤال شد. ایشان فرمودند: توکل بر خدا درجاتی دارد، یکی آنکه در همه کار، خود بر او توکل کنی، و هرچه با تو کند، راضی باشی و بدانی در خیرخواهی تو کوتاهی نکند، و بدانی که اختیار با اوست. پس توکل کن بر خدا به واگذاری همه اینها به وی و به او اعتماد داشته باش در آن و جز آن.<sup>۶</sup> امام کاظم (ع) در این روایت به تبیین اصطلاح «توکل» می پردازند.

در ذیل آیه ۱۲ سوره حجرات، درباره معانی غیبت و تهمت آمده: يَحْيَى الْأَزْرَقُ قَالَ قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ (ع) : مَنْ ذَكَرَ رَجُلًا مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِمَّا عَرَفَهُ النَّاسُ لَمْ يَغْتَبْهُ وَ مَنْ ذَكَرَهُ مِنْ خَلْفِهِ بِمَا هُوَ فِيهِ مِمَّا لَا يَعْرِفُهُ النَّاسُ اغْتَابَهُ وَ مَنْ ذَكَرَهُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ فَقَدْ بَهْتَهُ؛ «یحیی ازرق» می گوید: ابو الحسن امام موسی کاظم (ع)

<sup>۱</sup> صفار، بصائر الدرجات، ج ۱ ص ۳۳ باب ۱۶ معرفة أئمة الهدى.

<sup>۲</sup> آل عمران، ۶۹.

<sup>۳</sup> عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۶۵.

<sup>۴</sup> عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۰۳.

<sup>۵</sup> از جمله معانی احصان در لغت، عفت و پاکدامنی است: (فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۱۱۸؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۳، ص ۱۱۹؛

طریحی، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۲۳۷).

<sup>۶</sup> کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۵.

<sup>۷</sup> کلینی، الکافی، ج ۲ ص ۳۵۸.



به من فرمود: هرکس در پشت سر مردی چیزی را بگوید که در اوست و مردم هم می‌دانند که در اوست او غیبت نکرده است و هرکس در پشت سر کسی درباره‌اش سخنی گوید که در اوست ولی مردم آن را نمی‌دانند، او را غیبت کرده است و هرکس چیزی درباره او گوید که در او نیست، به او تهمت زده است.

### ۳-۷. شرح و رفع ابهام برخی از آیات

بخشی از روایات تفسیری امام کاظم (ع) به شرح و توضیح و رفع ابهام از آیات اختصاص دارد. در این نوع روایات تفسیری، شرح و توضیح امام کاظم (ع) اغلب بعد از ذکر آیه آمده است. گاهی نیز توضیحات امام در بین آیه و لابلای کلمات آن ذکر شده است. عمدتاً اینگونه روایات در پاسخ به سؤال راوی وارد شده است.

عبد الله بن جارود می‌گوید: از امام (ع) درباره آیه «فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ» پرسیدم: امام فرمود: روز قبل از ترویبه، روز بعد از ترویبه و روز عرفه را روزه بدارد.<sup>۲</sup>

همچنین نقل شده که امام کاظم (ع) درباره آیه «وَلْيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ»<sup>۳</sup> فرمودند: «طواف الفریضه، طواف النساء: طواف واجب، طواف نساء است».<sup>۴</sup>

همینطور درباره آیه «وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا»<sup>۵</sup> درباره گواهی دادن از امام کاظم (ع) نقل شده که فرمودند: هنگامی که مردی تو را دعوت کرد که بر دین یا حقی شهادت دهی، شایسته تو نیست که تأخیر کنی.<sup>۶</sup>

امام کاظم (ع) در تفسیر آیه «وَوَدَّ وَ سُلَيْمَانَ إِذْ يَخُكِّمَانِ فِي الْحَرْثِ»<sup>۷</sup> فرمودند: حکم داوود این است که گوسفندان را به صاحب مزرعه دهد، و آنچه را خداوند به سلیمان تفهیم کرد، این بود که: شیر و پشم همه آن سال را برای صاحب مزرعه حکم کند.<sup>۸</sup>

### ۳-۸. تأویلات برخی از آیات

برخی از روایات تأویلی، نیز از امام موسی کاظم (ع) نقل شده است از جمله آنها روایتی است که علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر (ع) روایت کرده است. او می‌گوید: به موسی بن جعفر (ع) عرض کردم:

<sup>۱</sup> بقره، آیه ۱۹۶.

<sup>۲</sup> عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۹۲.

<sup>۳</sup> حج، ۲۹.

<sup>۴</sup> کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۵۱.

<sup>۵</sup> بقره، آیه ۲۸۲.

<sup>۶</sup> کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۳۸۰.

<sup>۷</sup> انبیاء، آیه ۷۸.

<sup>۸</sup> صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۵، ص ۳۳۱.



تأویل آیه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» (ملک: ۳۰) چیست؟ ایشان فرمود: هنگامی که امام خود را از دست دادید، چه کسی برای شما امام تازه خواهد آورد؟<sup>۱</sup>  
 امام کاظم (ع) درباره سخن خداوند عز و جل «يُخِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (روم: ۱۹) فرمود: زنده شدن زمین با باران نیست، و اما خداوند مردانی را برمی انگیزد که عدل را زنده می کنند، و زمین به خاطر احیای عدل زنده می شود، و برپایی حدود خداوند در زمین از باران چهل صباح سودمندتر است.<sup>۲</sup>  
 برخی از روایات نقل شده از امام موسی کاظم (ع) درباره قرآن و معارف آن، به عنوان روایات جری و تطبیق می باشد؛ اینجا برخی از آنها مورد اشاره قرار می گیرد:

امام کاظم (ع) در مورد آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»<sup>۳</sup> فرمودند: (منظور از اولی الامر) علی بن ابیطالب (ع) و اوصیای بعد از ایشان است.<sup>۴</sup> در این آیه، اطاعت از اولی الامر در کنار اطاعت رسول خدا (ص) ذکر شده، و این اطاعت به طور مطلق، واجب است. اطاعت مطلق از افراد در صورتی واجب است که آنان معصوم باشند، پس اولی الامر نیز مثل رسول (ص) باید معصوم و مصون از خطا باشد.  
 بدیهی است که تنها علی بن ابی طالب (ع) و اوصیای بعد از ایشان، معصوم بوده و آیه، قابل انطباق بر دیگر مصادیق نمی باشد. هرچند برخی اولی الامر را به فقها و علما تفسیر کرده اند.<sup>۵</sup>  
 همچنین سلیمان بن جعفر از امام موسی کاظم (ع) در مورد مصداق بندگان خدا در آیات ۶۳ و ۶۴ فرقان پرسید که در این آیات آمده:

عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا وَ الَّذِينَ يَبْتَئِنُونَ لِرَبِّهِمْ سُجْدًا وَ قِيَامًا»<sup>۱</sup> قَالَ هُمْ الْأَئِمَّةُ يَتَّقُونَ فِي مَشِيئِهِمْ عَلَى الْأَرْضِ.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۶؛ گفتنی است ظاهر آیه مربوط به آب جاری است که مایه حیات موجودات زنده است، و باطن آیه مربوط به وجود امام و علم و عدالت جهان گستر اوست که آن نیز مایه حیات جامعه انسانی است. (مکارم، شیرازی: تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۶۰)

<sup>۲</sup> کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۱۷۴؛ منظور ظاهری از احیای زمین بعد از مردنش، آن حالتی است که زمین در فصل بهار به خود می گیرد، و گیاهان از آن بیرون می آیند و سبز و خرم می شوند. (طباطبایی، المیزان، ج ۱۶، ص ۱۶۲) امام علیه السلام در این روایت، احیای معنوی زمین به عدالت را از احیای زمین به باران سودمندتر دانسته، و در واقع معنای ژرف تر و عمیق تر از آیه بیان داشته است.

<sup>۳</sup> نساء، آیه ۵۹.

<sup>۴</sup> عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۵۳.

<sup>۵</sup> سیوطی، الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۷۶.

امام(ع) در جواب وی مصداق اکمل بندگان را بیان فرمود که: «هُمُ الْأَيْمَةُ يَتَّقُونَ فِي مَشِيهِمْ عَلَى الْأَرْضِ»؛ فرمود آنها ائمه هستند که از راه رفتن خود روی زمین بیمناک هستند.

پر واضح است که اینجا ائمه معصومین(ع) بارزترین مصداق آیه اند نه اینکه مصداق منحصر این آیات است. همچنین امام کاظم (ع) درباره آیه «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ» فرمودند که: اینجا «ولو العلم» امام است<sup>۳</sup> اینجا مصداق اکمل و اتم دانشمندان، امامان معصوم(ع) هستند ولی ممکن است کسی دیگر نیز در فهرست پایین مصداق این آیه قرار گیرد.

همچنین گاهی امام یکی از مصداق آیه را ذکر نمودند از جمله آنها درباره آیه «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»<sup>۴</sup> می فرماید: از آن جمله کارهای زینتی، شانه زدن موها هنگام هر نماز است.<sup>۵</sup> واضح است که این یکی از مصداق زینت است؛ زیرا در روایات دیگر از معصومین برخی از کارهای زینتی دیگر نیز در ذیل این آیه، نقل شده است از جمله آنها پوشیدن بهترین لباس.<sup>۶</sup>

### ۳-۹. بیان مسائل مربوط به علوم قرآن

برخی از روایات امام موسی کاظم(ع) که در پاسخ به سوالات اصحاب و یاران ایشان نقل شده است؛ مربوط به شأن و سبب نزول و مسائل مربوط به علوم قرآنی از جمله نحوه قرائت و ذکر ثواب و فضیلت تلاوت آیه یا سوره، وغیره می باشد. اینجا برخی از آنها ذکر می گردد:

ائمه معصومین(ع) در موقعیت های مختلف مردم را به قرائت های متداول و معروف عصر خودشان راهنمایی و هدایت می کردند؛ به عبارت دیگر، قرائت های مشهور میان مردم را امضا می کردند. امام کاظم(ع) نیز ضمن روایتی مردم را به قرائت قرآن، همان گونه که آموخته اند، دعوت می کند. از یکی از اصحاب امام کاظم (ع) به ایشان گفت جانم فدایت، به درستی ما آیاتی در قرآن می شنویم که آن ها در نزد ما چنان نیستند که شنیده ایم و ما نمی توانیم آن را چنان که از شما به ما رسیده، نیکو بخوانیم، آیا گنهکاریم؟ فرمود: نه، همان گونه که آموخته اید، بخوانید.<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> سوره فرقان، آیات ۶۳-۶۴؛ بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند؛ و هنگامی که جاهلان آنها را مخاطب سازند (و سخنان نابخردانه گویند)، به آنها سلام می گویند (و با بی اعتنایی و بزرگواری می گذرند)؛ کسانی که شبانگاه برای پروردگارشان سجده و قیام می کنند؛

<sup>۲</sup> قمی، علی ابن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۲ ص ۱۱۶؛ بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۴ ص ۱۴۶؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۴ ص ۱۳۳؛ عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین ج ۴ ص ۲۶

<sup>۳</sup> عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۶۶۹.

<sup>۴</sup> اعراف، آیه ۳۱.

<sup>۵</sup> کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۴۸۹.

<sup>۶</sup> طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۶۳۷.

<sup>۷</sup> کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۳۳.



محمد بن فضیل از امام کاظم (ع) درباره آیه ۲۱ سوره جن پرسید. امام (ع) او فرمود: رسول خدا (ص) مردم را به ولایت علی (ع) دعوت کرد، قریش گرد او جمع شدند و گفتند: ای محمد ما را از آن معاف دار. رسول خدا (ص) فرمود: این کار با خداست، با من نیست، او را متهم ساختند و از نزد او بیرون رفتند. پس خداوند عز و جل این آیه را نازل کرد: «قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا»<sup>۱</sup> امام کاظم (ع) در اینجا سبب نزول این آیه را ذکر فرموده است.

امام کاظم (ع) در فضیلت سوره فرقان فرمود: قرائت آیه «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ» را ترک مکن. هرکسی آن را در هر شب قرائت کند، هرگز عذاب نمی شود و مورد حسابرسی قرار نمی گیرد و منزل او در فردوس اعلی است.<sup>۲</sup>

امام کاظم (ع) در فضیلت تلاوت آیه صلوات و خواندن ذکر صلوات فرمودند که:

«هر کس در تعقیب نماز صبح و نماز مغرب قبل از آنکه پاهایش را دو لا کند یا با کسی سخن بگوید، بگوید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»<sup>۳</sup> اللهم صل على محمد و ذریته، خداوند صد حاجت از او را، هفتاد در دنیا و سی در آخرت برآورده کند. راوی گوید: گفتم: اما معنی درود خدا و ملائکه و مؤمن چیست؟ فرمود: درود خداوند، رحمتی از جانب خداست و درود ملائکه، ستایشی از آنان برای اوست، و درود مؤمنان، دعا از جانب آنان برای اوست.<sup>۴</sup>

همچنین نقل شده است که امام کاظم (ع) فرمود:

هرکسی در سفر باشد و از دزد و درنده بترسد، باید بر یال مرکبش بنویسد: «لَا تَخَافُ دَرْكًا وَلَا تَخْشَى»<sup>۵</sup> پس او به اذن خداوند عز و جل امان یابد.<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> عروسی حویزی، نورالتقلین، ج ۵، ص ۴۴۰.

<sup>۲</sup> عروسی حویزی، نورالتقلین، ج ۴، ص ۲.

<sup>۳</sup> احزاب، آیه ۵۶.

<sup>۴</sup> عروسی حویزی، نورالتقلین، ج ۴، ص ۳۰۲.

<sup>۵</sup> طه، آیه ۷۷.

<sup>۶</sup> عروسی حویزی، نورالتقلین، ج ۳، ص ۳۸۵.



## نتیجه

با توجه به مباحث مطرح شده در این پژوهش نتایج زیر بدست می آیند:

- ۱- امام موسی کاظم(ع) با تربیت شاگردان زیادی در زمینه تبیین منابع و مبانی علوم واقعی اسلام گام اساسی برداشته بودند.
- ۲- امام کاظم(ع) شاگردان را به صورت عملی نحوه استناد و استخراج مباحث گوناگون علوم واقعی دینی از قرآن و احادیث قطعی پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم سابق را یاد داده بودند.
- ۳- مهم ترین آفات و موانع علوم واقعی اسلام در عصر امام کاظم(ع) قیاس، پیروی از رأی شخصی و استحسان افراد بوده است که امام شاگردان خود را از این امور برحذر داشتند و میراث شیعی را از این انحراف مصون داشتند و برای دنبال نمودن علوم واقعی قرآنی و حدیثی و تبیین شده توسط امامان معصوم هدایت و رهبری فرمودند.
- ۴- شاگردان و اصحاب زیادی از میراث حدیثی و معارف قرآنی و علمی استفاده نمودند و از امام هفتم مطالب زیادی را نقل و روایت نمودند که نتیجه آن تلاشها و فعالیت ها در کتب اولیه حدیثی شیعه امامیه قابل مشاهده است.
- ۵- روایات زیادی درباره تفسیر و معارف قرآنی از امام موسی کاظم(ع) توسط شاگردان و اصحاب ایشان نقل شده است که امام در آنها علاوه بر تشویق و ترغیب به تلاوت قرآن و التزام مراجعه به قرآن و سنت برای تفسیر، خودشان نیز آیات زیادی را تفسیر و توضیح فرمودند و عملاً نحوه استناد و استشهاد به آیات قرآنی را یاد دادند و نیز معانی و تأویل آیات و کلمات قرآن را ذکر فرمودند.



## منابع

### قرآن کریم

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، مؤسسه سید الشهداء، قم-ایران، اول، ۱۴۰۳ق-۱۹۸۳م.
۲. ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی، کتاب من لایحضره الفقیه، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، مؤسسه النشر الاسلامی، قم-ایران، دوم، ۱۳۶۳ش.
۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، مکتبه علامه، قم، دوم، بی تا.
۴. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، عدّه الداعی و نجاح الساعی، دارالکتب الاسلامی، قم-ایران، اول، ۱۴۰۷ق=۱۹۸۷م.
۵. اکبرنژاد، محمدتقی، زوائد اصول فقه، دار الفکر- قم، ایران، ۱۳۹۶ش.
۶. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: مؤسسه بعثت، بنیاد بعثت، تهران، اول، ۱۴۱۶ق.
۷. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تحقیق: مؤسسه بعثت، بنیاد بعثت، تهران، دوم، ۱۴۱۶ق.
۸. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دارالکتب الاسلامیه، قم-ایران، اول، ۱۳۷۱ش.
۹. جوادی آملی، عبدالله، «تسنیم» تفسیر قرآن کریم، مرکز نشر اسراء، قم، بی تا.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعۀ، قم، آل البيت، ۱۴۱۴ق.
۱۱. حرّانی، ابو محمد الحسن بن الحسین، تحف العقول، مکتبه بصیرتی، قم، ۱۳۹۳ق.
۱۲. حلوانی، حسین بن محمد، نزهة الناظر و تنبيه الخاطر، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر، قم-ایران، دوم، ۱۳۸۵ش.
۱۳. دیلمی، حسن بن محمد، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لأحیاء التراث، قم-ایران، اول، ۱۴۰۸ق.
۱۴. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدرالمثور فی التفسیربالمأثور، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، قم-ایران، اول، ۱۴۰۴ق.
۱۵. سیدعبد الاعلی موسوی سبزواری، مواهب الرحمان فی تفسیر القرآن، دار إحياء التراث العربی، بیروت-لبنان، اول، ۱۴۳۵ق=۲۰۱۴م.
۱۶. شهید ثانی، زین الدین ابن علی، منیه المرید فی أدب المفید و المستفید، مکتب الإعلام الإسلامی، مرکز النشر، قم-ایران، سوم، ۱۳۷۴ش.
۱۷. صفار، محمد بن حسن بصائر الدرجات، تهران: اعلمی، ۱۳۶۲.

بررسی نقش فرزندان و یاران امام موسی کاظم (علیه السلام) در گسترش تشیع امامیه

۱۸. طباطبایی بروجردی، سید حسین، جامع احادیث الشیعه فی احکام الشریعه، قم، نشر الصحف، ۱۳۷۱ش/۱۴۱۳ق.
۱۹. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه علمی، ۱۴۲۲ق.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفه، بیروت-لبنان، دوم، ۱۴۰۸ق.
۲۱. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، اسماعیلیان، قم-ایران، چهارم، ۱۴۱۵ق.
۲۲. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰ق.
۲۳. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، الوافی، مکتبه الإمام امیرالمؤمنین علی(ع) العامه، اصفهان-ایران، اول، ۱۴۰۶ق.
۲۴. قمی، حاج شیخ عباس، الانوار البهیة، مشهد: مؤسسه منشورات دینی،
۲۵. قمی، عباس، الانوار البهیة فی تواریخ الحجج الالهیه، قم، مکتبه الحیدریه، ۱۴۲۹ق.
۲۶. قمی، علی ابن ابراهیم، تفسیرالقمی، دارالکتاب، قم-ایران، سوم، ۱۴۰۴ق.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، ناشر دار الکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۳۶۵ش.
۲۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانور، (دوره ۱۱۰ جلدی) دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۰۳ق.
۲۹. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ش.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامی، بیست و یکم، ۱۳۷۳ش.
۳۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، کتاب الغیبه، مکتبه الصدوق، تهران-ایران، اول، ۱۳۹۷ش.
۳۲. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، بیروت-لبنان، اول، ۱۴۰۸ق.
۳۳. ورام، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام (تنبيه الخواطر و نزهة النواظر)، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد مقدس - ایران، اول، ۱۳۶۹ش.
۳۴. همایش سیره و زمانه امام کاظم علیه السلام، مجموعه مقالات همایش سیره و زمانه امام کاظم علیه السلام، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، قم، اول، ۱۳۹۲ش.



دو فصلنامه تخصصی نور المصطفیٰ\_ شماره ۱۷- پاییز و زمستان ۱۴۰۲



بررسی نقش فرزندان و یاران امام موسی کاظم (علیه السلام) در گسترش تشیع امامیه

دو فصلنامه تخصصی نور المصطفیٰ\_ شماره ۱۷- پاییز و زمستان ۱۴۰۲



بررسی نقش فرزندان و یاران امام موسی کاظم (علیه السلام) در گسترش تشیع امامیه